



پول طلب کنند و در همین کشور خودمان اگر مصداق بخواهیم ده سال پیش یک سوپرستار سینما برای نیم ساعت حضور در برنامه سال تحویل، یکی از شبکه‌ها بنابر تورم ده سال پیش یازده میلیون تومان پول گرفت و همین آقا برای شرکت در برنامه شب پلدای سال گذشته تقریباً ده برابر این مبلغ را درخواست کرد که در پی رسانه‌ای شدن موضوع قضیه منتفی شد. یا حتی مجریان صدا و سیما هم برای اجراها و موارد خارج از برنامه‌های تلویزیون رقمی بین ۵ تا ۱۰ میلیون دریافت می‌کنند و این رقم با حضور هنرپیشه‌ها و خوانندگان سرشناس سیر صعودی پیدا می‌کند؛ البته دعوت از سلبریتی‌ها در دنیا معمول است و افرادی مانند پله یا بکن بائر برای حضور در شوهای تلویزیونی، رقم کلانی درخواست می‌کنند، یا زیدان صرفاً برای تماشای یک بازی در قطر، نزدیک یک میلیون دلار دریافت می‌کند و حالا شنیده‌ایم که لوئیس فیگو برای حضور یک ساعت و نیمه در تلویزیون ایران، رقمی نزدیک به پانصد میلیون تومان دریافت کرده که با توجه به نام و آوازه او رقم معقولی محسوب می‌شود. ولی نکته قابل توجه این است که بعضی افراد و جریانه‌ها که صرفاً دنبال سیاسی کاری هستند، گفته‌اند که با این پول چند کانکس برای زلزله زده‌هایی که در سرما دارند می‌لرزند می‌شد خرید؟! که البته قیاس مع الفارق است و دعوت اینگونه افراد بیشتر برای جذب مخاطب صورت می‌گیرد نه چیز دیگر ضمن اینکه با تعرفه‌های سنگینی که صدا و سیما برای تبلیغات دارد، بازگشت این رقم امر بسیار سخت و دور از انتظاری نخواهد بود. چه بسا که در بازی دربی (استقلال و پرسپولیس) بر طبق شنیده‌ها، تعرفه تبلیغات پیش از بازی تا ثانیه‌ای ۱۷ میلیون تومان هم بالا رفته بود و قطعاً در برنامه بیننده‌ای مثل قرعه کشی جام جهانی، رقم تعرفه اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست و تنها یک دقیقه (۶۰ ثانیه) از تبلیغات تلویزیونی کاملاً پول پرداختی به فیگو را برمی‌گرداند. اما شاید خالی از لطف نباشد که یادآوری کنیم، زمانی که سال ۷۳ اختلاس بزرگی در کشور اتفاق افتاد، سرگرمی مردم این شده بود که محاسبه کنند با این پول چند پرس چلو کباب می‌شود برای گرسنگان خرید؟ در حالی که همه می‌دانیم اینگونه اظهارات عوام فریبانه که با منطق سازگاری ندارد، تاریخ گذشته است و بیشتر از آنکه بوی دلسوزی بدهد، بوی تصفیه حسابهای جناحی و سیاسی می‌دهد و در میان عموم مردم جایگاهی نخواهد داشت!

مثبتی حساب می‌شود و حداقل شاهد تحلیلهای غیر کارشناسانه از طرف کارشناس نماها خواهیم بود. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که نباید مطلقاً تیم مراکش را دست کم گرفت. تیم مراکش بدون باخت و گل خورده به جام جهانی صعود کرده و لژیونرهای متعددی در لیگ برتر انگلیس، کالجو ایتالیا و لالیگا اسپانیا دارد و نباید فکر کنیم که می‌توانیم به سادگی این تیم شمال آفریقا را ببریم، چون بازیکنانی مثل مهدی بن عطیه (یوونتوس)، امین حارث (شالکه)، نبیل ضرار (فنزباغچه ترکیه)، تنها سه تن از بازیکنان مراکشی هستند که در سه باشگاه بسیار معتبر اروپایی توپ می‌زنند. هر چند که باید گفت، جام جهانی محل زور آزمایی تیمهایی است که با دشواری وارد این کارزار جهانی شده‌اند و اگر می‌خواهند نتیجه بگیرند باید مچ همدیگر را بخواه‌انند. در دوره‌های قبلی که ما حضور داشتیم (مخصوصاً ۲۰۰۶ و ۲۰۱۴) هدفگذاری ما صرفاً حضور آبرومند در جام جهانی بود که بخصوص در مرتبه قبل و بازی درخشان مقابل آرژانتین این اتفاق افتاد. اما اگر از همین امروز بخواهیم همان حرفهای قبلی را تکرار کنیم کلاهمان پس معرکه است و مثل جام جهانی آلمان قبل از بازی سوم حذف خواهیم شد. پس اگر می‌خواهیم در جام جهانی روسیه صرفاً یک سیاهی لشکر نباشیم، باید با برگزاری دیدارهای دوستانه مناسب (بخصوص با تیمهای تکنیکی آمریکای جنوبی) خودمان را مهیای برگزاری این مسابقات کنیم. تاکید می‌کنم دیگر بازی کردن با تیمهای درجه سه اروپایی مثل مقدونیه، بلاروس و مونته‌نگرو و دردی از تیم ملی ما دوانمی‌کند و برای ارضای حس جاه طلبی، نباید از هزینه کرد در این راه کوتاهی کرد. طبعاً تیمهای قدرتمند برای بازیهای دوستانه مبالغ بالا می‌خواهند و گر نه باید برویم و دلخوش به بازی با کویت و توگو و بلاروس باشیم. بنابراین فقط در این شرایط است که می‌توان سال آینده نتایج درخوردن در جام جهانی بگیریم و رویای دیرینه مردم فوتبالیست کشورمان را در صعود به مرحله بعدی در جام جهانی تحقق ببخشیم.

نکته دوم: بوی بد عوام فریبی!

در جریان پخش ویژه برنامه نود برای قرعه کشی جام جهانی، دست اندرکاران برنامه طی یک حرکت روتین رسانه‌ای و برای جذابیت بخشیدن به برنامه و البته جذب مخاطبان بیشتر از لوئیس فیگو اسطوره نامدار پر تعالی‌ها که هم در رئال مادرید و هم در بارسلونا بازی کرده، دعوت کردند تا در این برنامه حضور داشته باشد. البته رسم بر این است که سلبریتی‌ها و اشخاص معروف برای حضور در برنامه‌های تلویزیونی از طریق مدیر برنامه‌هایشان

نکته اول: ما رویا بافتن را دوست داریم

پس از کنش و قوسهای بسیار، قرعه کشی جام جهانی در مسکو انجام شد و تیمهای راه یافته حرفانسان را شناختند و همانطور که همه در جریان قرار گرفته‌اید، تیم ایران با پر تعالی، اسپانیا و مراکش همگروه شد. برخلاف نظر بسیاری از هموطنان که هنوز بازی‌ها شروع نشده این گروه را گروه مرگ می‌نامند، نگارنده اصلاً اعتقادی به تسلیم شدن قبل از مبارزه ندارم. چون اسپانیا با وجود اینکه عنوان قهرمان جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی را یدک می‌کشید، در دوره جام جهانی قبلی که در برزیل انجام شد، حتی نتوانست از گروهش در مرحله مقدماتی بالا بیاید! اسپانیا در دوره قبل هم مانند الان در گروه B و در کنار هلند، شیلی و استرالیا قرار گرفت و در بازی نخست و در یک روز ناامید کننده، نتیجه تحقیر آمیزی کسب کرد. باخت ۵-۱ به هلند و عجیب اینکه در بازی بعد در ادامه روند ناکامی دو بر صفر به شیلی باخت و برد سه بر صفر مقابل استرالیا هم دردی از این تیم دوانکرد تا قهرمان دوره قبل به سادگی هر چه تمامتر حذف شود. در همین جام (۲۰۱۴) پر تعالی نیز سر نوشت بهتری از اسپانیا نداشت. پر تعالی در گروه G همراه با آلمان، آمریکا و غنا قرار داشت که در بازی نخست ۴-۰ به آلمان باخت. بازی دوم را با آمریکا ۲-۲ کرد و بازی سوم را ۲-۱ از غنا برد، ولی به علت تفاضل گل کمتر نسبت به آمریکا حذف شد و نتوانست حتی از دور مقدماتی هم صعود کند.

این مقدمه نسبتاً مبسوط را جهت یادآوری نوشتیم تا خاطر نشان کنیم نام و سابقه تیمها هیچ تضمینی برای موفقیتشان نیست و همین دلیل بود که از لحظه اعلام همگروه‌های ایران در جام جهانی روسیه می‌توانم ادعا کنم اصلاً احساس بدی نسبت به این همگروهی نداشتیم و برعکس حتی مقداری آرامش هم بر من مستولی شد، چون حداقل نام بزرگ رقبای ایران در این گروه بار روانی و توقع کسب نتیجه را در بین رسانه‌ها و حتی افکار عمومی به نحو قابل ملاحظه‌ای پایین می‌آورد. هنوز یادمان نرفته که در جریان جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان برخی کسانی که در ورزش کشور مسئولیت داشتند با تحلیلهایی نه چندان منطقی می‌گفتند: آنگولا را که مثل آب خوردن می‌بریم، با مکزیک مساوی می‌کنیم و در نهایت به پر تعالی می‌بازیم و احتمالاً به عنوان تیم دوم صعود می‌کنیم! نشان به آن نشانی که در برابر مکزیک باخت بدی آوردیم و در مقابل آنگولا هم با گل دقایق پایانی، از شکست فرار کردیم! باخت به یاران فیگو و دو که هم که از قبل قابل پیش بینی بود! پس باید گفت، همین که در برخی احوال از گروه ایران به عنوان گروه مرگ نام برده می‌شود اتفاق